

پیشینه اخلاق پزشکی در برخی از آثار کهن طبی و ادبی ایران

دکتر محمدحسین عزیزی^۱

A Short History of Medical Ethics in Iran Based on Old Medical and Literary Works

M.H. Azizi M.D

Abstract

Medical ethics is a branch of professional ethics that deals with ethical issues in the field of medical practice. Historical evidence shows that even prehistoric healers were bound by a common set of ethical principles.

The history of medicine in Iran dates back to many centuries ago, so, the ethical concept in practice of medicine in Iran has a long history too. The distinguished Iranian physicians such as Ahwazi, Razi, Ibn-Sina and Jorjani wrote treatises on the ethical qualities of physicians. In addition, there are various implications related to medical ethics in old literary and medical works in Iran.

Key words: Ancient medical ethics , History of Medicine In Iran.

^۱ . متخصص گوش، گلو و بینی، عضو هیأت علمی فرهنگستان علوم پزشکی.

چکیده

پیشینه پزشکی در ایران به گذشته‌های دور برمی‌گردد. از این‌رو، مضامینی مشابه آنچه امروزه در اخلاق پزشکی^۱ مورد بحث قرار می‌گیرد، در آثار کهن مکتوب طبی و ادبی ایران سابقه‌ای طولانی دارد. اوستا و دیگر متون زرتشتی مانند دینکرت و بُندهش از دیرینگی پزشکی در ایران باستان خبر می‌دهند و در آنها افزون بر ذکر نام برخی بیماری‌ها، گیاهان دارویی و تأکید بر حفظ بهداشت، مباحثی راجع به وظایف و مسؤولیت‌های اخلاقی پزشکان و مقررات طبابت نیز دیده می‌شود. احتمالاً کهن‌ترین مکتوب ادبی فارسی که در آن به اخلاق پزشکی پرداخته شده، باب «برزویه طیب» در ترجمه کتاب مشهور کلیله و دمنه است.

پس از ورود اسلام به ایران، اوج شکوفایی پزشکی، بین قرون سوم تا هشتم هجری/ نهم تا چهاردهم میلادی بوده است که این دوران را «عصر طلایی طب ایران» نامیده‌اند. در این دوره پزشکان نام‌آوری مانند اهوازی، رازی، ابن سینا و جرجانی درخشیده و در آثار خود علاوه بر مباحث علمی، مطالبی نیز راجع به اخلاق پزشکی و مسؤولیت حرفه‌ای پزشکان نوشته‌اند. در متون ادبی کهن هم درباره انتظارات جامعه از پزشکان و ویژگی‌های آنها از نظر اخلاقی سخن گفته‌اند.

این مقاله به اختصار پیشینه اخلاق پزشکی در ایران را در برخی از آثار مکتوب کهن بررسی می‌کند که می‌تواند پیش درآمدی برای ارزیابی‌های بیشتر در این مورد تلقی شود.

واژه‌های کلیدی: اخلاق پزشکی کهن، تاریخ طب ایران.

فصلنامه اخلاق پزشکی، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۶، صفحه ۶۴ تا ۷۴

^۱ . medical ethics

پیشگفتار

پیش از پرداختن به پیشینه اخلاق پزشکی در برخی از آثار کهن طبی و ادبی ایران، چند اصطلاح و مفاهیم آنها بیان می‌شود. آنچه امروزه «اخلاق پزشکی» نامیده می‌شود، در واقع شاخه‌ای از علم اخلاق کاربردی^۱ است. (۱) علم اخلاق خود شاخه‌ای منشعب از فلسفه است. مطابق تعریف نوین، منظور از اخلاق پزشکی پیروی از اصول رفتار حرفه‌ای مناسبی است که درباره مسئولیت و وظایف پزشکان هنگام مراقبت^۲ از بیماران و مواجهه و ارتباط با خانواده آنها سخن می‌گوید. (۲) به عبارت دیگر، اخلاق پزشکی زیرشاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای^۳ است. هرچند اصطلاح اخلاق پزشکی را با اخلاق زیستی^۴ غالباً به طور مترادف به کار برده‌اند، این دو اصطلاح با هم متفاوتند. اخلاق زیستی مفهوم گسترده‌تری دارد و کل زیست‌کره^۵ را شامل می‌شود در حالی که اخلاق پزشکی با انسان سروکار دارد. از سوی دیگر، اخلاق پزشکی با پزشکی قانونی^۶ متفاوت است. پزشکی قانونی از تعامل طب و قانون سخن می‌گوید هرچند بسیاری از اصول و مقررات در آن ریشه اخلاقی دارد.

به طور کلی، ملاحظات اخلاقی در بسیاری از موارد تصمیم‌گیری‌های پزشکی نقش عمده‌ای دارند و در پاسخ به پرسش‌های ویژه در این حوزه، معمولاً توافق کلی اجتماعی در مورد درست‌ترین اقدام اخلاقی موجود است و اگر چنین توافقی در کار نباشد به معنی آن است که آن مقوله

^۱ Applied ethics

^۲ Care

^۳ Professional ethics

^۴ Bioethics

^۵ Biosphere

^۶ Legal medicine

خاص، بر اثر تکامل جامعه و حرفه طب دستخوش تغییر شده است. (۳) اصطلاح دیگر، مسئولیت پزشکان^۱ است که به دو دسته یعنی مسئولیت‌های اخلاقی و حقوقی تقسیم می‌شود. منظور از مسئولیت اخلاقی، پاسخ‌گویی فرد در برابر خداوند یا وجدان است، در حالی که مسئولیت حقوقی عبارت از پاسخ‌گویی افراد در برابر حقوق موضوعه است. (۴) آنچه در این زمینه در متون کهن طب و ادبی ایران بیشتر دیده می‌شود تأکید بر مسئولیت اخلاقی پزشکان در برابر بیماران است که جنبه درونی و شخصی دارد. از اخلاق پزشکی در متون کهن ایران با عناوینی مانند آیین پزشکی، پندها و اندرزهای طبی، علم الاخلاق پزشکی، ناموس طبابت و ناموس الطب یاد شده است (۵) که ذیلاً برخی از عمده‌ترین موارد آنها را بیان می‌کنیم.

۱- اخلاق پزشکی در ایران باستان

پیش از اسلام، اوستا و سایر متون زرتشتی مانند دینکرت و بُندهش از کهن‌ترین منابعی به‌شمار می‌روند که از دیرینگی پزشکی در ایران خبر می‌دهند. در این آثار، نام برخی از بیماری‌ها و گیاهان دارویی آمده و بر حفظ بهداشت فرد و محیط تأکید شده است. (۶) به علاوه، در آنها به مقررات پزشکی، مسئولیت پزشکان و انتظارات جامعه از آنها نیز اشاره شده است. برای نمونه در متن و تفسیر اوستایی موسوم به «نسک هوسپارم» مقرراتی مربوط به پرداخت حق‌العلاج پزشکان و الزام اطباء برای دریافت نوعی اجازه‌نامه طبابت سخن گفته شده است (۷). و در دینکرت، ویژگی‌های پزشک شایسته چنین بیان شده است: «پزشک دانشمند باید بیمار را به دقت معاینه کند، کتاب بسیار خوانده باشد، اعضا

^۱ physicians' responsibility

بدن و مفاصل را بشناسد و اطلاعاتی راجع به ادویه (داروها) داشته باشد.» (۸) اما افزون بر اینها، مطابق باورهای پزشکی زرتشتیان قدیم «پزشک باید محبوب و شیرین سخن باشد و با بیماران از روی شکیبایی و مهربانی رفتار کند.» (۹)

برزویه طبیب، پزشک نامدار عصر انوشیروان ساسانی (دوره فرمانروایی ۵۳۱-۵۷۸ م) در شرح حالی که خود نگاشته است و در ترجمه کتاب معروف «کلیله و دمنه» آمده، از هدف غایی پزشکی و ویژگی‌های پزشک مورد انتظار جامعه سخن گفته است. (۱۰) به گفته فؤاد سرگین، پژوهشگر تاریخ پزشکی، این نوشته در واقع از کهن‌ترین مقالاتی است که در زمینه اخلاق پزشکی ایران به دست ما رسیده است. (۱۱) در فصل موسوم به «برزویه طبیب» در ترجمه فارسی کلیله و دمنه می‌خوانیم: «... و پوشیده نماند که علم طب نزدیک همه خردمندان و در تمامی دین‌ها ستوده است و در کتب طب آورده‌اند که فاضل‌تر اطباء آن است که بر معالجت از جهت ذخیرت آخرت مواظبت نماید که به ملازمت این سیرت نصیب دنیا هر چه کامل‌تر بیاید.» (۱۲) بر اساس این باور، نزد زرتشتیان قدیم، بهترین پزشکان آنانی بوده‌اند که پزشکی را فقط برای عمل شفابخشی آن انتخاب می‌کردند و بدترین گروه کسانی بوده‌اند که سبب بدنامی این حرفه می‌شدند. (۱۳)

۲- اخلاق پزشکی در دوران اسلامی

در آثار مکتوب کهن ایران، در دوره پس از اسلام نیز می‌توان در زمینه اخلاق پزشکی و وظایف و مسؤولیت اخلاقی پزشکان مطالب گوناگونی یافت. برای نمونه در کتاب مشهور «چهار مقاله» اثر «نظامی عروضی سمرقندی» از نویسندگان نامدار ایرانی سده ششم هجری/ دوازدهم

میلادی (۱۴)، ویژگی‌های پزشک شایسته بدین شرح بیان شده است: «... اما طبیب باید که رقیق الخلق، حکیم النفس و جید الحدس» باشد... و هر طبیب که شرف انسان نشناسد رقیق الخلق نبود و تا منطق نداند، حکیم النفس نبود و تا مؤید به تأیید الهی نبود، جید الحدس نبود و هر که جید الحدس نبود به معرفت علت نرسد. (۱۵) گذشتگان بر این باور بودند که پزشک باید فلسفه و الهیات بداند (۱۶) و به کار بردن واژه «حکیم» به جای طبیب، در فرهنگ ما نیز نشانگر همین معنا است. واژه حکیم کلمه‌ای عربی است که در اصل به معنای عاقل حاذق ماهر است و تا چندی پیش این عنوان برای پزشکان به کار می‌رفت و مطب پزشکان را محکمه می‌نامیدند. (۱۷)

از دیدگاه تاریخ پزشکی، اوج شکوفایی طب در ایران پس از اسلام بین قرون سوم تا هشتم هجری (نهم تا چهاردهم میلادی) بوده است. این دوران را «عصر طلایی» پزشکی ایران نامیده‌اند. (۱۸) در همین دوران، چهره‌های ماندگار تاریخ پزشکی ایران درخشیده‌اند و از خود آثار گرانسنگی به یادگار گذاشته‌اند که در برخی از آنها به مباحث مرتبط با اخلاق پزشکی نیز پرداخته شده است؛ برای نمونه بعضی از موارد مهم آن را بررسی می‌کنیم:

اخلاق پزشکی از دیدگاه اهوازی: اثر معروف «کامل الصناعات الطبیه المملکی» موسوم به «طب ملکی» از علی بن عباس مجوسی اهوازی، پزشک نامدار ایرانی قرن چهارم هجری / دهم میلادی است. اهوازی در این کتاب از اهمیت دانش پزشکی این‌گونه سخن گفته است: «صحت بدن را صناعت طب متعهد است، بنابراین علم پزشکی افضل و سودمندترین علوم است.» (۱۹) کتاب طب ملکی مشتمل بر دو بخش علمی و عملی است. اهوازی در کتاب اول، باب دوم، مقاله نخست را به وصایای طبی بقراط

فصلنامه اخلاق پزشکی، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۶، صفحه ۶۸

اختصاص داده است. عنوان عربی آن بدین قرار است: «الباب الثانی فی ذکر وصایا أبقرات و غیر من القدماء المتطبیین و علمائهم» که دکتر محمود نجم‌آبادی (۱۲۸۲-۱۳۷۹ ش) استاد پیشین دانشکده پزشکی تهران و پژوهشگر تاریخ پزشکی ایران، آن را با عنوان پندنامه اهوازی یا آیین پزشکی به فارسی برگردانده و دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ شمسی آن را منتشر کرده است. (۲۰) پندنامه اهوازی که عمدتاً با اقتباس از سوگندنامه بقراط^۱ نوشته شده است، با آن تشابهات و تفاوت‌هایی دارد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود: (۲۱، ۲۰، ۱۳، ۳)

- بقراط در سوگندنامه خود به آپولوی شفادهنده سوگند یاد می‌کند و الهه‌ها و خدایان را شاهد می‌گیرد که مفاد سوگندنامه را به نیکوترین وجه و با تمام توان و درایت خود انجام دهد. این عبارت در پندنامه اهوازی دیده نمی‌شود، اما وی نوشته است: «نخستین موعظت آن است که ستایش پروردگار و فرمانبرداری خداوند عزوجل را به جای آرند.»

- بقراط و اهوازی هر دو از تکریم استادان پزشکی خود و تقسیم‌داری‌شان با آنها سخن گفته‌اند و از فرزندان استادان پزشکی خواهند فن طبابت را بیاموزند، باید این حرفه را بدون اجر، مزد، شرط و امید تلافی به آنها آموخت.

- بقراط و اهوازی هر دو از تجویز نکردن داروهای کشنده و پرهیز از انجام سقط جنین و مبادرت به آن سخن گفته‌اند.

- در سوگندنامه بقراط و پندنامه اهوازی بر حفظ اسرار بیماران تأکید بسیار شده است.

در سوگندنامه بقراط آمده است: «برنامه کار من در جهت بهبود (و آسایش) بیماران بر حسب توانایی و درایت من خواهد بود نه در جهت

^۱ Hippocratic oath

آزار آنان یا از راه بدخواهی». در پندنامه اهوازی چنین گفته شده است: «پزشک باید در درمان بیماران حسن تدبیر و معالجه آنان چه با غذا و چه با دارو بکوشد و منظورش از درمان استفاده و پول‌پرستی نباشد و بیشتر اجر و ثواب را مد نظر دارد.»

- اهوازی گفته است: «از مردمان پست و سفله مانع شوید که این علم شریف را فرا گیرند.» عین این عبارت در سوگندنامه بقراط یافت نمی‌شود. - در پندنامه اهوازی می‌خوانیم: «بر پزشک است که در جمیع احوال آنچه که بقراط حکیم فرموده رفتار نماید.» سپس افزوده است: «و حلیم و پاک‌چشم و مهربان و خیررسان و خوش‌زبان باشد و در درمان بیماران به‌خصوص مسکینان و فقرا به جد بکوشد و در فکر سود و اجر از این دسته نبوده بلکه اگر ممکن شود دارو را از کیسه خود بدان‌ها بدهد و اگر این کار ممکن نگردد به درمان آنها پرداخته، شب و روز به بالینشان حاضر شود خصوصاً اگر بیماری آنها حاد و تند باشد، چرا که بیماری‌های حاد زود دگرگونی و تغییر پیدا کنند.» این بخش نیز در سوگندنامه بقراط دیده نمی‌شود.

- در پندنامه اهوازی آمده است: «برای پزشک شایسته نیست به خوش‌گذرانی و تنعم و لهو و لعب مشغول گردد. باید از نوشیدن شراب پرهیزد چرا که به دماغ ضرر می‌رساند و ذهن را فاسد کند.» مشابه این مضمون در سوگندنامه بقراط وجود ندارد.

ابن هندو و شرافت علم پزشکی

کتاب «مفتاح الطب و منهاج الطلاب» (کلید دانش پزشکی و برنامه دانشجویان آن) اثر ابوالفرج علی بن حسین بن هندو، پزشک، فیلسوف و ادیب ایرانی نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری در ده باب

این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران موجود است.

تنظیم شده است که یکی از باب‌های آن در «شرافت علم پزشکی» نام دارد. (۲۲) ابن هندو از پزشکانی که حرفه پزشکی را صرفاً وسیله مال‌اندوزی و کسب شهرت قرار می‌دهند، انتقاد کرده است. (۲۳)

رازی و مقوله اخلاق پزشکی

ابوبکر محمد زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ هـ. ق. / ۸۶۵-۹۲۵ م) پزشک نامدار ایرانی در کتاب «خواص التلامیذ» وظایف دانشجویان پزشکی را در زمینه رعایت اخلاق پزشکی بیان کرده است. به گواهی مورخان قدیم (ابن ابی اصیبه و ابن ندیم) رازی خود از ویژگی‌های اخلاقی شایسته‌ای برخوردار بوده است. او را پزشکی مهربان و خوش‌سلوک که نسبت به بیماران فقیر بسیار رئوف بوده است، خوانده‌اند. وی کتابی به نام «طب الفقرا» تألیف کرده است. رازی نزد عموم و شاگردانش بسیار محبوب بوده است. (۲۵) در کتاب «المرشد اوالفصول» رازی به بیماران توصیه می‌کند که: «پزشک خشن و شتاب‌زده، جسور، عجول، سخت‌گیر، بدبین و رشک‌بر را برمگزین» و به پزشکان یادآوری می‌کند که: «هیچ‌گاه به درمانی که شک داری نپرداز، مگر آن‌که اندازه زیان آن را بدانی و بتوانی پیامدهای آن را پی‌گیری کنی و گرنه آن را کنار بگذار. (۲۵) رازی با پزشک‌نمایان و مدعیان پزشکی عصر خود در ستیز بوده و در نوشته‌هایش بر آنها تاخته است. وی در کتاب «المنصوری» پزشکان نادان را محکوم کرده است. رازی می‌نویسد: «چرا اغلب مردم پزشک‌نماها را از اطبای دانشمند برتر می‌شمارند و چگونه حتی پزشکان درستکار را هدف انتقاد و ملامت قرار می‌دهند.» (۲۶) در اثر دیگری به نام «طب الروحانی»، رازی پزشکی را از دیدگاه اخلاقی بررسی کرده است. (۲۷) رازی در نامه‌ای به یکی از شاگردانش خودداری از پرداختن به کارهای بیهوده و خوشگذرانی،

خواندن کتاب به طور پیوسته، حفظ حرمت بیماران، توصیه به فروتنی، پرهیز از خودبزرگ بینی و خودپسندی و استعانت از خداوند هنگام درمان بیماران را توصیه کرده است و می نویسد: «بایسته است تا پزشک دوست و همراه مردم باشد.» و از قول جالینوس می گوید: «شایسته است پزشک درست همان گونه که توانگران را درمان می کند به درمان تهیدستان و بینوایان پردازد.» (۲۸)

اخلاق پزشکی از دیدگاه جرجانی

پزشک نام آور ایرانی قرن ششم هجری اسماعیل جرجانی (۴۳۴-۵۳۱ هـ.ق) در کتاب معروف «ذخیره خوارزمشاهی» که به زبان فارسی تألیف کرده است، در کتاب نخست، باب اول رسالت حرفه پزشکی را این گونه می داند: «طب صنعتی است که طبیب از وی اندر حال های تن مردم و درستی و بیماری او نگاه کند تا چون تندرست باشد به صنعت طب تندرستی بر وی نگاه دارد و چون بیمار گردد به تدبیرهای صواب وی را به حال تندرستی باز می آرد چندان که ممکن گردد و به نزدیک داشتن چیزهای سودمند و دور داشتن چیزهای زیانکار بیماری از وی دور می کند.» (۲۹)

جرجانی در اثر دیگری به نام «خفی علانی» مقالات اول با عنوان «در وصیت ها [بی] که طبیب را گوش بدان باید داشت» می نویسد: «طبیب را که به نزدیک بیمار آید، پس از آن که شرط های امانت دینی و شفقت مردمی به جای آورده باشد و چشم و گوش و زبان از همه ناپسندی ها نگاه داشته باشد.» (۳۰)

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين
الطاهرين
المرسلين
أجمعين

نگاهی به پیشینه اخلاقی پزشکی در ادب فارسی (۳۱،۳۲)

از آنجا که پزشکان ملزم به حفظ اسرار بیماران هستند، طبیب در فرهنگ ما، محرم اسرار بیمار قلمداد شده است. برای نمونه در ویس و رامین آمده است:

چرا راز از طبیب خویش پوشم
بلا پیش آورد گر پیش کوشم
و حافظ می گوید:

ما راز پنهان با یار گفتیم
نتوان نهفتن درد از طبیبان
پزشک واقعی هرگز به بیمار آسیب نمی‌رساند. در امثال و حکم علامه دهخدا آمده است:

ندهد گل به گل خورنده طبیب
گرچه باشد گه سؤال مجیب^۱
و یا:

طفل خرما دوست دارد، صبر فرماید حکیم.
توصیه شده است که پزشکان به مهربانی با بیماران رفتار کنند. با این‌همه همان‌گونه که رازی گفته است، حتی برخی اوقات پزشکان مهربان نیز مورد انتقاد بیماران قرار می‌گیرند. در ادب فارسی گفته‌اند:

عجب نبود اگر عاشق ز چشم یار افتد
طبیب مهربان از دیده بیمار می‌افتد.
و به بیماران توصیه کرده‌اند:

چو به گشتی طبیب از خود میازار
چراغ از بهر تاریکی نگه دار

همان گونه که در سوگندنامه بقراط آمده، پزشک از آسیب رساندن و اقدام به قتل بیمار در هر شرایطی خودداری می کند؛ نظامی گفته است:

می باش طبیب عیسوی هُش
اما نه طبیب آدمی کُش

یکی دیگر از ویژگی های پزشک شنایسته آن است که خود از تندرستی جسمی و روانی برخوردار باشد. فردوسی گفته است:

پزشکی که باشد به تن دردمند
زی بیمار چون باز دارد گزند؟
و سعدی چنین سروده است:

حکیمی که خود باشدش زردروی
از او داروی سرخ روئی مجوی

پزشک باید با صبر و حوصله مشکل بیمار را بررسی کند (به ویژه در مورد سالخوردگان). داستانی در مثنوی در این زمینه شنیدنی است:

گفت پیری مرطیبی را که من
در زحیرم از دماغ خویشتن *

گفت از پیری است آن ضعف دماغ
گفت بر چشمم ز ظلمت هست داغ

گفت از پیری است ای شیخ قدیم
گفت پشتم درد می آید عظیم

گفت از پیری است ای شیخ نزار
گفت هر چه می خورم نبود گوار

گفت ضعف معده هم از پیری است
گفت وقت دم مرا دمگیری *

گفت آری انقطاع * دم بود

چون رسد پیری دو صد علت بود
سپس پیر از پاسخ‌های پزشک برمی‌آشوبد و او را دشنام می‌دهد اما
پاسخ پزشک همچنان صبورانه و معقول است:
پس طبیبش گفت ای عمر تو شصت
این غضب وین خشم هم از پیری است.

پی‌نوشت‌ها:

- در متن با علامت ستاره * مشخص شده‌اند.
- دینکرت: مجموعه بزرگی به زبان پهلوی تألیف آذر فرنبغ شامل اطلاعات مربوط به قواعد، اصول، آداب، رسوم و روایات و تاریخ و ادبیات زرتشتی تألیف اواخر قرن نهم میلادی. (فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، ج ۵، ص ۵۲۲، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴)
 - بُندهش: بندهشن [پهلوی: اصل خلقت، سفر آفرینش]، کتابی به زبان پهلوی، خلاصه‌ای از اوستای ساسانی و زند در موضوع تکوین جهان و قصص و اساطیر و طبیعیات و غیره (منبع پیشین، ص ۲۸۴)
 - هوسپارم نسک از نسک‌های اوستای دوره ساسانی.
 - چهار مقاله عروضی سمرقندی: کتابی به فارسی مرکب از چهار مقاله در ماهیت علم دبیری، شعر، نجوم و طب که بین سال‌های ۵۵۱-۵۵۲ ه.ق تألیف شده است. (منبع پیشین، ص ۴۵۵)
 - جید، به معنی سریع.
 - واژه دکتر (Doctor) مشتق از لاتین به معنی آموزگار و واژه طبیب (Physician) مشتق از واژه لاتین فیزیک است.
 - (به نقل از The American Heritage Dictionary صص ۲۱۲ و ۵۳۴ چاپ ۱۹۷۹)

- آپولو (= آپولون): خدای روشنایی، هنرها و پیش‌گویی در یونان باستان، پسر زئوس. (فرهنگ فارسی معین، ج ۵، ص ۶)
- ابن ابی اصیبه (۶۰۰-۶۶۸ ه.ق) کحال (چشم‌پزشک) متولد دمشق، نویسنده کتاب «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» که در آن از معروف‌ترین دانشمندان طب نام برده است (فرهنگ معین، ج ۵، ص ۷۸)
- ابن ندیم (وفات ۳۷۵ ه.ق) مؤلف کتاب الفهرست به زبان عربی (منبع پیشین، ص ۸۲).
- المرشد او الفصول: این کتاب را رازی پس از پژوهش‌های گسترده و به دست آوردن تجربه بسیار نوشته است. (منبع ۲۵، ص ۵۷)
- مجیب: جواب‌دهنده، پاسخ‌گو. (فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۸۸۵)
- در زحیرم از دماغ خویشتن: از ضعف قوای ذهنی یا ضعف حافظه در رنجم.
- دمگیری و انقطاع دم: به معنی تنگی نفس، بند آمدن نفس.

REFERENCES

- 1- Stedman's Medical Dictionary, 25th Edition, P:54, Williams and Wilkins, 1990
- 2- Encyclopedia Americana, vol.18, p:612, Scholastic Library Publishing Inc., USA, 2006
- ۳- شجاع‌پوریان، سیاوش: مسئولیت مدنی ناشی از خطای شغلی پزشک، زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان، ص ۱۳، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۳.
- ۴- خفی علانی تألیف سیداسماعیل جرجانی، به کوشش دکتر علی‌اکبر ولایتی، دکتر محمود نجم‌آبادی، بخش توضیحات، ص ۲۶، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۷.
- ۵- فرشاد، دکتر مهدی: تاریخ علم در ایران، ج ۲، صص ۶۶۹-۶۷۴، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ۶- کریستن سن، آرتور: ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ویراسته دکتر حسن رضایی باغبیدی، ص ۳۰۰-۳۰۱، انتشارات صدای معاصر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- ۷- خدابخشی، سهراب: پزشکی در ایران باستان، ص ۴۰، مؤسسه انتشاراتی و فرهنگی فروهر، ۱۳۷۶.
- ۸- ر.ک منبع ۷.
- ۹- ابوالمعالی منشی، نصراله: ترجمه کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح دکتر مجتبی مینوی طهرانی، انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۷.
- ۱۰- سرگین، فؤاد: تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۳، فصل یکم: پزشکی و داروسازی، ص ۲۵۳، ترجمه و تدوین مؤسسه نشر فهرستگان، به اهتمام خانه کتاب، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

- ۱۱- ر.ک منبع ۱۰.
- ۱۲- نفیسی، دکتر ابوتراب: مختصر تاریخ علوم پزشکی تا ابتدای قرن معاصر، صص ۱۷۶-۱۷۷، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵.
- ۱۳- ضمیری، محمدعلی: تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، ص ۲۳۷، انتشارات راهگشا، شیراز، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- ۱۴- نصر، دکتر سیدحسین: علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، ص ۱۷۵، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۵۹.
- ۱۵- محقق، دکتر مهدی: مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، ص ۳۱۰، انتشارات سروش، ۱۳۷۴.
- ۱۶- دارابی، بهین: تاریخ الحكماء قفطی، ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری، مقدمه، صص ۳۲-۳۷، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
17. Ebrahimnejad H: Medicine, Public Health and the Qajar State, P: 5, Brill Publication, Leiden- Boston, 2004
- ۱۸- ر.ک به منبع ۱۶، ص ۳۱۰.
- ۱۹- نجم آبادی، دکتر محمود: پندنامه اهوازی یا آیین پزشکی تألیف علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی، نشرات دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۳۴.
- 20- Haeger K: the Illustrated History of Surgery, PP: 31-41, Hippocratic Oath, Harold Strake Publishers, Spain, 2000
- 21- Post S.G: Encyclopedia of Bioethics ,Vol. 3, pp: 1664-1607, Medical Ethics, History of the Near and Middle East, by Sachedina A., Macmillan Reference, SA, 2004.
- ۲۲- تاجبخش، دکتر حسن: تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، ج ۲، ص ۲۹۷، انتشارات دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۷۵.

فصلنامه اخلاق پزشکی

- ۲۳- نجم‌آبادی، دکتر محمود: تاریخ طب در ایران از ظهور اسلام تا حمله مغول صص ۴۱۶-۴۱۷، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۲۴- اسکندر، دکتر آلبِر زکی: المرشد او الفصول بوبکر محمد زکریای رازی، ترجمه دکتر حمدابراهیم ذاکر، ص ۱۵۶، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تهران، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی، موزه ملی تاریخ پزشکی، ۱۳۸۴.
- ۲۵- الگود، سیریل: تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۳۵، ترجمه دکتر باهر فرقانی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۲۶- رک منبع ۱۱، ج ۵، بخش اخلاق.
- ۲۷- نامه‌ای از ابوبکر محمدبن زکریای رازی به یکی از شاگردانش، شایست و ناشایست در پزشکی، ترجمه محمدحسین ساکت، صص ۳۱-۳۷، انتشارات اردشیر، مشهد، ۱۳۷۲.
- ۲۸- ذخیره خوارزمشاهی، تألیف اسماعیل بن حسن الحسینی الجرجانی، ج ۱ و ۲، ص ۱۴، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، ایرج افشار، انتشارات المعی، ۱۳۸۴.
- ۲۹- رک منبع ۵، ص ۱۲۳.
- ۳۰- عزیزی، دکتر محمدحسین: برخی اشارات پزشکی در ادب پارسی، مجله طب و ترکیه، تابستان ۱۳۷۶.
- ۳۱- عقیقی، دکتر رحیم: مثل‌ها و حکمت‌ها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
- ۳۲- مثنوی به اهتمام دکتر محمد استعلامی، ج ۲، ص ۱۴۰، انتشارات زوار، ۱۳۶۲.

